



امکان سنجی بازبینی در رویکرد

توانمندسازی ساکنین سکونتگاه‌های غیر رسمی

با تاکید بر سرمایه فرهنگی

نمونه موردی؛ سهرابیه (استان البرز)

بیان مساله ؛ مقدمه ۱- وجود سکونت گاه های غیر رسمی

Informal Settlement

سکونتگاه غیر رسمی،

Low Income Settlement

سکونتگاه های افراد کم درآمد،

Semi Permanent Settlement

سکونتگاه های نیمه دائم و موقتی،

Shanty Town

سکونتگاه های آلونکی،

Spontaneous Settlement

سکونتگاه های خودرو،

Unauthorized Settlement

سکونتگاه های غیرمجاز،

Unplanned Settlement

سکونتگاه های برنامه ریزی نشده،

Uncontrolled Settlement

سکونتگاه های کنترل نشده،

Irregular Settlement

سکونتگاه های نابهنجار یا نابسامان،

Marginal Settlement

سکونتگاه های حاشیه نشین

ویژگی‌های سکونتگاه غیر رسمی

صرف نظر از اختلاف نظر در ارتباط با عنوان این پدیده

عدم دسترسی به محیط مناسب زندگی، خانه و مسکن غیر مقاوم و نامناسب،

عدم دسترسی به آب آشامیدنی، عدم دسترسی به بهداشت و سیستم‌های

بهداشتی (فاضلاب) مناسب.

(UN-Habitat,2006)

در مجموع اسکان غیررسمی را می‌توان به شیوه زندگی و فضای خاصی از زندگی شهری اطلاق کرد که در تمامی یا غالب جهات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، حقوقی، سابقه استقرار و نحوه شکل‌گیری و سیر تحولات تاریخی، با بخش‌های مجاور تفاوت اساسی دارد.

مقدمه ۲- روند رو به رشد سکونت گاه های غیر رسمی

*** مهاجرت ***

* پدیده اسکان غیر رسمی مختص به کشورهای جهان سوم نیست.

* دنیا این پدیده را در دوره های مختلف تجربه کرده و برای مواجهه با

آن رویکردهای مختلف را پیش گرفته است.

* رویکردهای ملی به سکونتگاه‌های غیررسمی

negative policies

سیاست‌های نفی‌گرایانه

forced eviction

اخراج اجباری

benign neglect

بی‌توجهی نرم/ملایم

involuntary resettlement

اسکان مجدد غیر داوطلبانه

* رویکردهای ملی به سکونتگاه‌های غیررسمی

Positive policies

سیاست‌های مثبت

self-help

خودیاری

in situ upgrading

بهسازی وضع موجود

Enabling/ Empowerment

توانمندسازی

Right-based policies

سیاست‌های حقوق محور

ترنر و آبرامز؛

نگاه مثبت به این اجتماعات و نقد مداخلات تخریب گرایانه

بهبود شرایط مسکن در سکونت گاه‌های غیر رسمی در گذر زمان

شرایط سکونت گاه‌های غیر رسمی از طریق استراتژی‌های خودیاری و توانمند سازی این سکونت گاه‌ها قابل ترمیم است (Mukhija,2009).

دوره	طرح	مشروح طرح	محدودیت ها
۱۹۶۰	خانه سازی اجتماعی	احداث خانه های ارزان قیمت توسط دولت	فقدان منابع مالی لازم برای نیاز رو به رشد طولانی شدن زمان احداث با توجه به استانداردهای فنی بی نصیب ماندن اقشار کم درآمد انعطاف ناپذیری مؤسسات مالی در ضوابط، به علت تقاضاهای فزاینده وام‌های مسکن ناهمخوانی طرح با سبک زندگی مردم
۱۹۷۰	طرح زمین خدمات	واگذاری زمین‌های برنامه ریزی و تفکیک شده	عدم توانایی بازپرداخت وام‌ها (عمدتاً از محل منابع بین المللی) فقدان اراضی عمومی و خصوصی به مقدار مورد نیاز کمبود امکانات مشاوره فنی
	طرح نوسازی زاغه ها	سرمایه گذاری دولت در زمینه نوسازی سکونتگاه‌های غیررسمی	نیاز به سرمایه عظیم برای نوسازی به دلیل چندین دهه غفلت عدم تضمین نگهداری زیرساخت‌های تأمین شده عدم امکان مشارکت مردم به علت نرخ بالای سود اعتبارات جذب شده بی میلی مردم به خودیاری و کمک مالی به توسعه خدمات به دلیل فقدان حق مالکیت زمین
	طرح توانمند	قرار گیری گروه هدف در	فقدان حق مالکیت تضمین شده* معامله نادرست اراضی

پدیده اسکان غیررسمی در ایران؛

بطور مشهود از دهه ۱۳۴۰

عوامل پدید آورنده در دهه‌های ۴۰ و ۵۰؛

* شرایط نامطلوب زندگی کم درآمدها در پیرامون زندگی شهری

* مهاجرت روستاییان به شهرها

تشدید روند توسعه سکونتگاه‌های غیر رسمی در دهه ۱۳۶۰

(به دلیل جنگ و شکل‌گیری برخی مهاجرت‌های تحمیلی)

فرض؛ با عادی شدن وضعیت، نابسامانی‌ها رفع می‌شوند

گسترش فقر
شهری

انکار روند ساخت یابی
اسکان غیررسمی

غفلت
سیاست‌گذاران

شکل‌گیری و تثبیت برخی سکونتگاه‌های غیررسمی

نتیجه؛ بی‌توجهی به سیرتحولات پدیده اسکان غیررسمی در جهان و راهبردها و رویکردهای مطرح شده برای مواجهه با آن از سوی نهادهای بین‌المللی مانند برنامه اسکان سازمان ملل

گستره اسکان غیررسمی در ایران؛

یک هفته تا یک پنجم جمعیت



طرح موضوع در سند برنامه ششم به عنوان یکی از مهمترین مسائل کشور

(ن.ک ماده ۲ برنامه پنج ساله ششم توسعه)

نیمه دوم دهه ۱۳۷۰؛ سرآغاز مشارکت و توجه سازمان عمران و بهسازی شهری (وزارت مسکن و شهرسازی) به احیای بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و از جمله اسکان غیررسمی

انجام یک طرح تحت عنوان "بهسازی بافت مساله دار شهری" در "ملاشیه" شهر اهواز. اجرای طرح دوم با شرح خدمات "طرح توانمندسازی" در محله "بابائیان" بندرعباس. با بهره‌گیری از تجارب هیئات دو (کنفرانس استانبول) و سایر نهادهای بین‌المللی براساس سه راهبرد نهادسازی، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی

تشکیل ستاد بهسازی، متشکل از اعضای سازمان‌های ذیربط در امر مدیریت شهری به مثابه نهادی فرابخشی و هماهنگ کننده اقدامات بهسازی، از جمله دستاوردهای این طرح بود.

* بازدید هیاتی از طرف بانک جهانی از پروژه محله بابائیان زاهدان

* مشارکت بانک جهانی در ارتباط با اسکان غیررسمی در ایران

* تدوین پروژه بهسازی شهری و اصلاحات بخش مسکن

– "بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی"

– "ظرفیت سازی برنامه راهبردی مسکن" (اصلاحات ساختاری)

* انجام مطالعات پروژه توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در سه شهر

زاهدان، کرمانشاه و بندرعباس و متعاقب آن دو شهر تبریز و سنندج

* تدوین دو سند سیاست اسکان مجدد و زیست محیطی در بخش بهسازی شهری و

تدوین سند راهبردی بخش مسکن **با کمک بلاعوض دولت ژاپن**

* تهیه و تدوین سند توانمند سازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی ؛

سال ۸۲-۱۳۸۱

* رویکرد توانمندسازی به عنوان یک راهبرد جهانی در نشست

عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ پذیرفته شد.

آسیب شناسی طرح های اجرا شده مبتنی بر رویکرد توانمند سازی

دلایل عدم حصول نتیجه از طرح های اجرایی؛

* محدود بودن توان مندی های (اقتصادی) ایجاد شده برای جامعه هدف،
غلبه بر توجه به منابع قدرت
تمرکز بر بعد کالبد و کیفیت

* هدفمند نبودن نیروهای تزریق شده در جامعه هدف،
و دارایی های اقتصادی
سازه های محل سکونت

* عدم توان ترسیم دورنمای اقتصادی میان مدت و بلند مدت برای تبدیل فرصت های

ایجاد شده به منابع قدرت،

* عدم شناخت جامعه هدف از شرایط بازار و اقتضائات آن برای تبدیل فرصت های ایجاد

شده به منابع قدرت،

* ناکارآمدی نگاه صرف اقتصادی و مالی به مسائل سکونت گاه های غیر رسمی و ...

مساله پژوهش؛

بنا نهادن رویکرد توانمند سازی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر مبنای تقویت صرف قدرت اقتصادی، با غفلت از سایر منابع قدرت همراه شده است.

هدف؛

امکان سنجی بازبینی در شیوه‌های جاری توانمندسازی

ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی

سوال پژوهش؛

بازبینی در رویکرد توانمندسازی

چگونه؟ بر چه مبنایی؟

جایگاه رویکرد توانمندسازی ساکنین سکونت گاه های غیر رسمی

در فرآیند مدیریت اسکان غیر رسمی

شرایط مداخله گر

سطح کلان	* تمرکز گرایی و تجمیع قدرت و امکانات در مرکز * فقدان نظام کلان و جامع سیاستگذاری (نگاه آمایش سرزمین)
سطح میانی	* فقدان نظام کارآمد برنامه ریزی شهری و منطقه ای * فقدان نظام مدیریت یکپارچه شهری (مقصد)
سطح خرد	* نقص در توانمندی های جمعیت مهاجر

سطح کارآمدی
رویکرد
توانمند سازی

شرایط علی

* نابرابری
(اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کالبدی و ...)
* فقر
(درآمدی، فضایی)

پدیده (مقوله مرکزی)

روستایی - شهری	مهاجرت به قصد بهبود کیفیت زندگی
اقلیمی	
شهری مرکز - پیرامون	

زمینه

* عدم وجود ظرفیت پذیرش در شهر
* بالا بودن هزینه های زندگی در شهر
* عدم امکان اشتغال کامل در بخش رسمی
* عدم توازن میان درآمد و هزینه ها
* ...

نتیجه (راهبرد)

پناه بردن به
حاشیه شهر
(اسکان غیر رسمی)

پیامدها

* تشکیل بستر انواع
آسیب های اجتماعی
* تامین سرپناه و
پوشش برای گروه های
بزهکار
* باز تولید فقر و
احساس نابرابری
* پرورش نیروهای
مستعد اعتراض و
آشوب (طرد شدگان
اجتماعی)
* و ...

نقطه آغاز بخش دوم پژوهش؛

رویکردی انتقادی به روند جاری طرحهای توانمندسازی است

با این ادعا که؛

مسئله محدود بودن دارایی‌های ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی، صرفاً از

جنس مالی و اقتصادی نیست و نمی‌توان ضرورت پرداختن به سایر دارایی‌ها را

نادیده گرفت.

توانمندسازی صرفاً یک فرآیند مکانیکی به اشتراک‌گذاری، توزیع یا بازتوزیع

قدرت نیست. بلکه، توانمندسازی طیف وسیعی از تغییرات در ترتیبات نهادی

اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی‌های سیاسی، شیوه‌های سنتی و حتی تغییر در

طرز تفکر جامعه هدف را در بر می‌گیرد.

مفهوم

توانمندسازی

فارست (۱۹۹۱)

توانمندسازی؛

به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت و تلاشی برای باز توزیع قدرت و منابع

نتیجه؛

توانمندسازی به معنای رهایی از ساختارهای غالب

فرآیند توزیع مجدد قدرت، درون و بین خانواده‌ها یا جوامع

فرآیندی با هدف برابری اجتماعی که تنها با دگرگونی برخی از ساختارها،

نظام‌ها و نهادها حاصل می‌شود.

اوکلی (۲۰۰۱) : ادعای عدم وجود تعریف واحد از مفهوم توانمند سازی

هیچ تعریف واحد و مشخصی در ارتباط با مفهوم توانمند سازی وجود ندارد. از یک

سو استدلال می‌شود که توانمندسازی صرفاً با تمرکز بر **تغییر الگوهای موجود**

قدرت محقق می‌شود و صرفاً از این طریق است که می‌توان تغییر معنی داری به

وجود آورد و از سوی دیگر می‌توان گفت که توانمند سازی عبارت است از؛

شناخت ظرفیت‌های گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، در جهت عمل کردن و ایفای

نقش مثبت ایشان در مداخلات توسعه‌ای

اوکلی (۲۰۰۱)، تعداد ۵ کاربرد کلیدی از مفهوم توانمندسازی در مطالعات

توسعه را شناسایی کرده است که عبارتند از؛

* توانمند سازی به مثابه مشارکت

* توانمندسازی به عنوان فرآیند دموکراتیزه کردن

* توانمند سازی به معنای ظرفیت سازی

* توانمند سازی از طریق بهبود اقتصادی

* توانمندسازی در سطح فردی

* توانمند سازی به مثابه مشارکت

پیوند مفهوم توانمندسازی با مفهوم مشارکت (مورد تاکید بانک جهانی)

مراحل تحقق مشارکت (نگاه بانک جهانی)؛

به اشتراک گذاری اطلاعات، مشاوره، همکاری و در نهایت، توانمند سازی

اوکلی نزدیک ترین و قویترین معنی برای توانمند سازی را پیوند بین مفهوم توانمندسازی و

مفهوم مشارکت در نظر می گیرد.

موسدیل (۲۰۰۳)

تاکید بر مشکل عدم وجود تعریفی واحد از مفهوم توانمند سازی

“این مفهوم در ارتباط با مصادیق بسیاری مطرح می‌شود“

علی رغم عدم دسترسی به یک تعریف واحد، به نظر می‌رسد که چهار بعد یا ویژگی وجود دارد

که در ادبیات توانمند سازی پیرامون آنها توافق وجود دارد؛

1

توانمند سازی در ارتباط با فرد یا افرادی به کار برده می شود که **توانمند** نیستند (به عنوان مثال در ارتباط با گروه زنان. چرا که در مقابل گروه مردان فاقد قدرت محسوب می شوند).

2

توانمند سازی نمی تواند توسط **شخص یا گروه ثالثی** ایجاد شود.
توانمندی توسط جامعه هدف، کسب شود و نسبت به آن اذعان شود.
شخص یا گروه ثالث در بهترین حالت می تواند شرایط مطلوب برای توانمند شدن را تسهیل نماید.

3

علی رغم تلاش گروه‌های تسهیل گر بر اساس تلاشی جمعی

مداخلات توسعه‌ای مبتنی بر توانمند سازی عمدتاً در **سطح فردی** متمرکز است
میزان توانمندی بر مبنای احساس و دریافت فرد از قدرت تصمیم گیری‌اش در موقعیتی که برای او
اهمیت فراوان دارد، سنجیده می‌شود.

4

توانمندسازی یک فرآیند مداوم و مستمر است و نه یک محصول.

میزان توانمندی مشخصی به عنوان هدف توانمند سازی مشخص نمی‌شود. بلکه میزان توانایی یا
ناتوانی افراد نسبت به دیگران و یا حتی نسبت به خود در زمان پیشین سنجیده می‌شود

دیپانارایان (۲۰۰۲)

به توسعه و بسط دارایی‌ها و توانایی‌های فقرا برای مشارکت،

گفتگو و چانه زنی، تأثیر، کنترل و مسئولیت پذیر و پاسخگو

کردن مؤسسات و نهادهایی که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارند،

توانمندسازی گفته می‌شود.

دیپانارایان (۲۰۰۲)

❖ توانمندی یک ارزش ذاتی است که ارزش ابزاری نیز دارد. توانمندی هم در سطح فرد و هم در سطح اجتماعی مطرح می‌شود و می‌تواند توانمندی اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی باشد.

❖ این اصطلاح را می‌توان برای تبیین روابط بین خانوارها یا بین فقرا و سایر بازیگران در سطوح جهانی نیز مورد استفاده قرار داد. البته تفاوت‌های بسیار مهمی در عوامل، شکل‌ها و پیامدهای توانمندی و عدم توانمندی وجود دارد.

دیپا نارایان (۲۰۰۲)

❖ توانمندسازی به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل دادن زندگی افراد است. این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است.

❖ آزادی فقرا، به شدت از طریق عدم امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به‌ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود.

دیپانارایان (۲۰۰۲)

❖ چهار عنصر کلیدی توانمندسازی که باید مبنا و شالوده اصلاحات نهادی باشند، شامل عناصر زیر هستند:

دسترسی به اطلاعات

فراگیری / مشارکت

پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری

ظرفیت سازمانی محلی

توانمندسازی

نتیجه؛

مفروض کلیدی رویکرد توانمندسازی به این شکل قابل طرح است که مهمترین ویژگی گروه‌های حاشیه‌ای، محرومیت از دسترسی به منابع قدرت است، بنابراین توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای، از طریق تسهیل فرآیند دسترسی و کسب منابع گوناگون قدرت و ارتقاء سطح دارایی‌های ایشان، امکانپذیر است.

حاصل تلاش رابرت چمبرز در دهه ۱۹۸۰ و تمرکز وی بر مقوله ناتوانی و انزوا

رویکردهای نظری متمرکز بر ابعاد غیر پولی فقر

فقر = عدم دسترسی به پول کافی

دسترسی ناکافی به منابع مالی، تنها بیانگر یکی از جنبه‌های فقر است.

در تعریف فقر، باید وسیعتر نگرینست تا بتوان بر آن اساس، راهبردهای کاهش فقر را به

درستی تدوین کرد و این راهبردها از کیفیت لازم برخوردار نخواهند بود مگر آنکه درکی

صحیح نسبت به عوامل مؤثر بر پیدایی فقر ایجاد شود (Wordbank;2008).

رویکرد معیشت پایدار

ریشه رویکرد معیشت پایدار با کاربردهای امروز آن، به همایش زمین که در سال ۱۹۹۲ در ریو برگزار شد و تکمیل آن در برنامه ۲۱ (برنامه برای قرن بیست و یکم) باز می‌گردد.

هدف برنامه ۲۱

"همه مردم باید از فرصت معیشت پایدار برخوردار باشند"

رویکرد معیشت پایدار، بیشترین تأثیر را از آنچه که در دهه ۱۹۸۰ "توسعه انسانی" نامیده می‌شد، گرفته است. بویژه مفهومی که توسط برنامه توسعه سازمان ملل مطرح شد.

مقوله توسعه انسانی، تحت تأثیر آثار اقتصاددان هندی، آمارتیا سن (Sen; 1984.1985) و تأکید وی بر

ظرفیت و همچنین آثار نویسندگانی که به **آسیب پذیری** (Swift, 1989; Chambers, 1989;)

و **دسترسی به منابع** (Berry, 1989; Blaikie,1989) و (Davies, 1996; Moser, 1998)

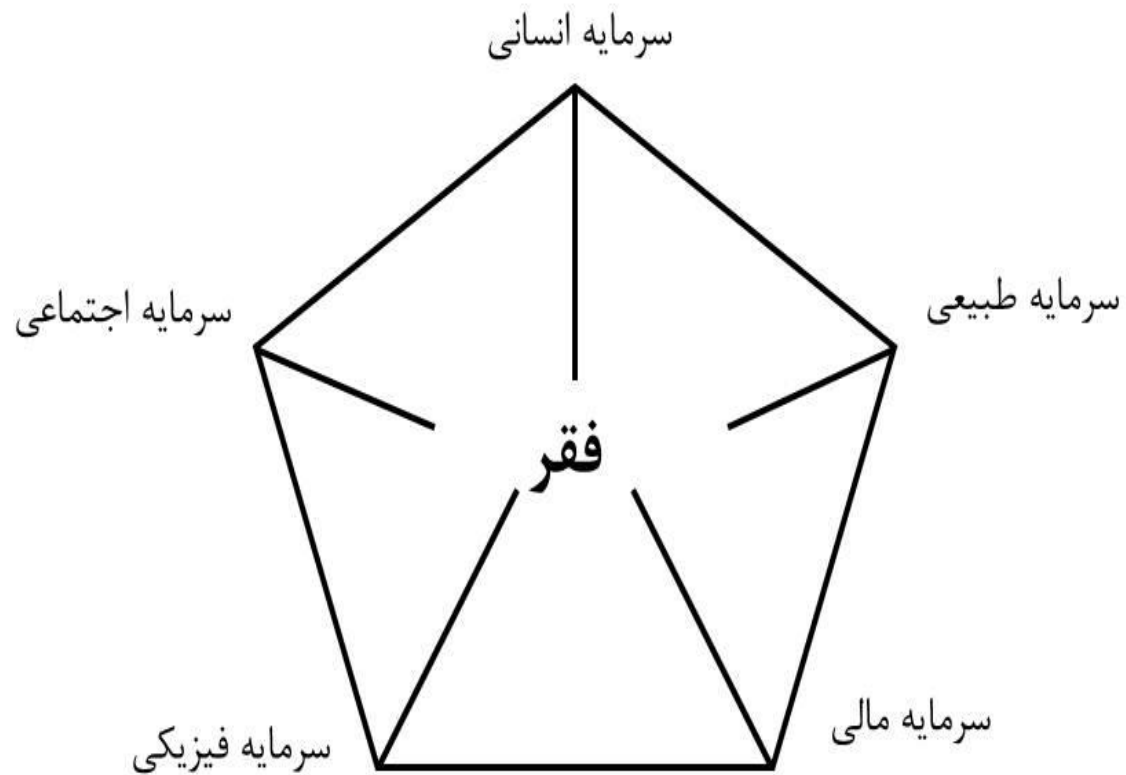
پرداختند، بوده است.

بر پایه این نظریه‌ها و ارتباط مفهومی آنها با یکدیگر، برخورداری از ظرفیت‌های متنوع، عاملی است که

آسیب پذیری معیشت را در برابر شوکها و تلاطم‌های محیطی مختلف، کاهش می‌دهد

(Morse and McNamara, 2013)

انواع دارایی ها در الگوی معیشت پایدار



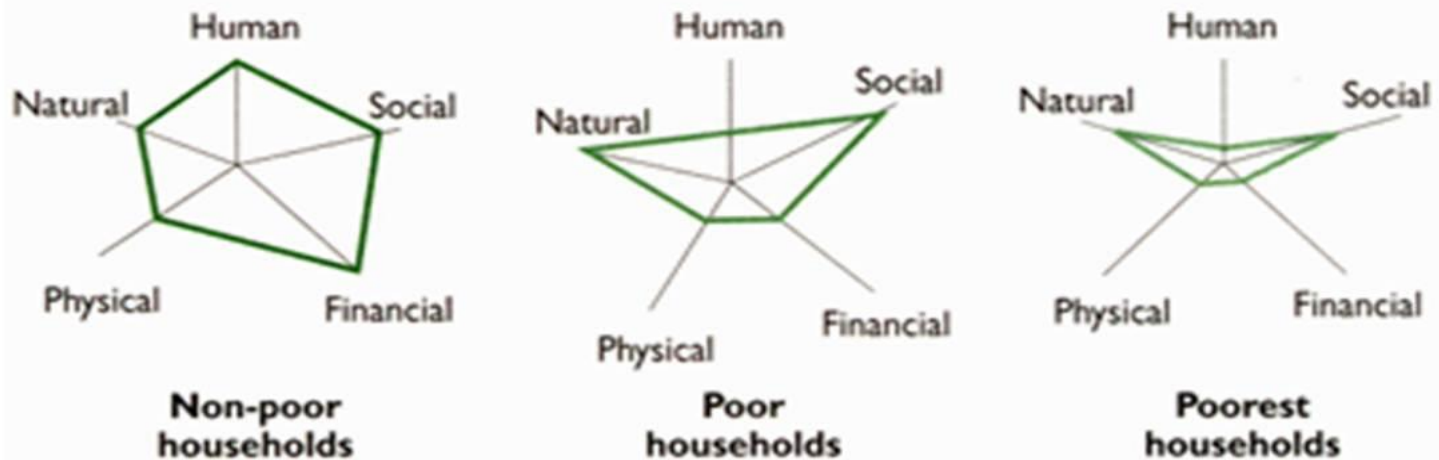
سطح انواع دارایی‌های افراد بر اساس سطح فقری که گریبانگیر آنهاست، می‌تواند متفاوت باشد.

فالو بر اساس یک مطالعه موردی که در مالی انجام داده است، تصویری را برای انواع دارایی‌ها

متناسب با سطح فقر، ارائه نموده است؛

Asset status differences, based on poverty levels, from an FAO case study in Mali:

Ownership and control of assets



رویکرد توانمند سازی

مفروض کلیدی رویکرد توانمندسازی به این شکل قابل طرح است که مهمترین ویژگی گروه‌های حاشیه‌ای، محرومیت از دسترسی به منابع قدرت است، بنابراین توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای، از طریق تسهیل فرآیند دسترسی و کسب منابع گوناگون قدرت و ارتقاء سطح دارایی‌های ایشان، امکانپذیر است.

انواع توانمند سازی مبتنی بر انواع دارایی قابل تحریک

روانشناختی

سیاسی

فرهنگی

اقتصادی

اجتماعی

جامعه

گروه

فرد

سطوح توانمند سازی

توانمند سازی فرهنگی

دوپویی (۱۹۹۱) در ضرورت تاکید بر فرهنگ در کنار توجه به ابعاد اقتصادی، استدلال می کند که؛ تلاش اقتصادی هر کس تابع عواملی چون؛ محیط پیرامون، سطح آموزش و جریان اطلاع رسانی ای است که فرد در معرض آن قرار دارد

دوپویی (۱۹۹۱) معتقد است؛ الگوی توسعه ای که بعد فرهنگی را مدنظر قرار ندهد به طور قطع با شکست مواجه می شود. به عبارت دیگر، از نظر او انکار بعد فرهنگی به معنای صرف نظر کردن از توسعه و افتادن در دام اشتباهات گذشته و به بیراهه رفتن است

Dalziel: 2009

دالزیل و همکاران (۲۰۰۹)؛ "توسعه پایدار و سرمایه فرهنگی"

* مرور ادبیات بین‌الملل پیرامون موضوع توسعه پایدار

* ۵ نوع سرمایه به عنوان دارایی‌های اثرگذار بر توسعه پایدار

سرمایه فیزیکی (گاهی اوقات با عنوان سرمایه دست ساخت بشر شناخته می‌شود)، سرمایه

اقتصادی، سرمایه انسانی، سرمایه زیست محیطی و سرمایه اجتماعی.

سرمایه فرهنگی دارایی دیگری است که حتماً در توسعه پایدار اثرگذار است.

سؤال کلیدی پژوهش؛ آیا سرمایه فرهنگی می‌بایست به عنوان یک بعد مجزای اثرگذار بر توسعه

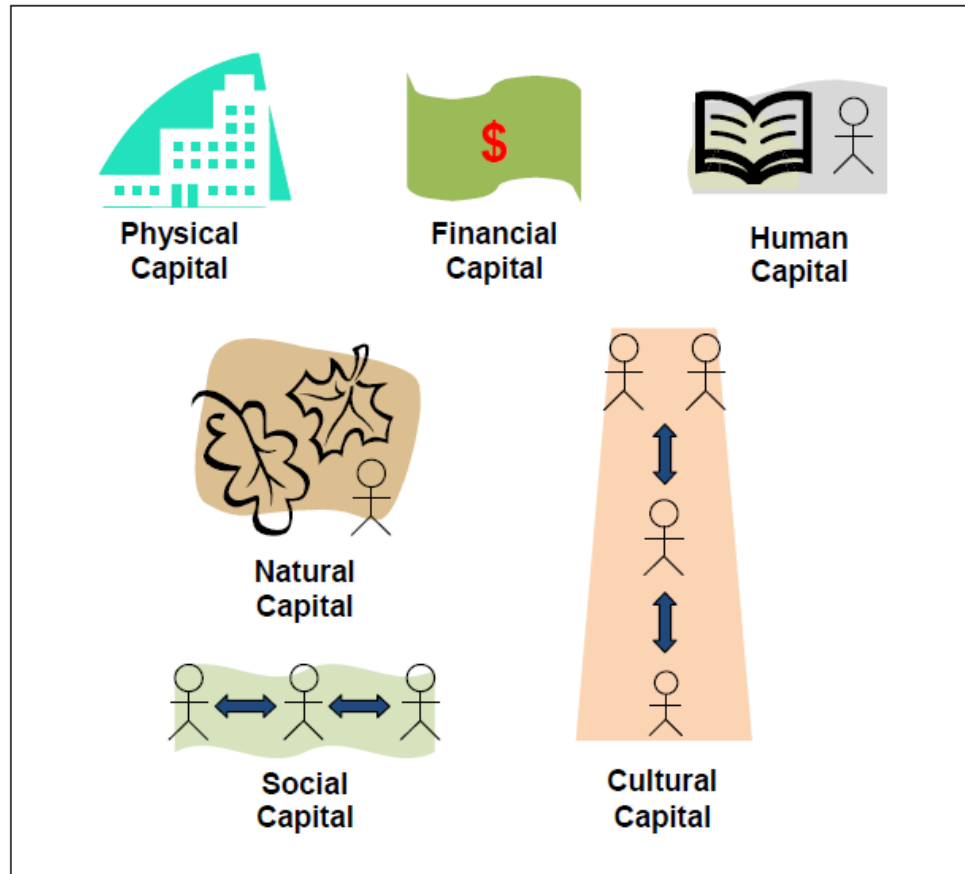
پایدار شناخته شده و مورد سنجش قرار گیرد و یا اینکه می‌تواند به عنوان یکی از ابعاد سرمایه

اجتماعی (و یا سرمایه انسانی) به آن نگریسته شود.

Dalziel: 2009

به عنوان یک شاخص
ار اثرگذار بوده و به
زه سرمایه فرهنگی

از سرمایه اجتماعی
شود.



این پژوهش ضمن
مستقل و چه به
عنوان مفهومی
میپردازد.

جمع بندی؛ سرما
تعریف شده و به
این پژوهش برای

Dalziel: 2009

این پژوهش در تلاشی پایانی و به منظور تلخیص آنچه گفته شد، در صدد بوده است تا "مدل توسعه پایدار سرمایه محور" را ارائه نماید. در این مدل مجموع ۶ سرمایه در قالب ۴ شاخص دیده شده است که عبارتند از: انسجام اجتماعی، مسئولیت پذیری زیست محیطی، بهره‌وری اقتصادی و سرزندگی (پویایی) فرهنگی.

MONTOYA: 1999

مونتویا (۱۹۹۹) بیان مساله خود را با رویکردی انتقادی نسبت به پارادایم توسعه پایدار آغاز نموده است.

نیل به هدف غایی یعنی تغییر و بهبود در سطح و کیفیت زندگی، محقق نشده است.

دلیل عدم موفقیت رویکرد توسعه پایدار در تمرکز بیش از حد بر سرمایه اقتصادی و غفلت از سایر اشکال سرمایه بوده است. به عبارت دیگر فرض بر آن است که تاکید صرف بر سرمایه اقتصادی منجر به توانمندی جامعه هدف نخواهد شد.

MONTOYA: 1999

مونتویا در چرایی پرداختن به سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی در راستای نیل به هدف توانمند سازی، **۳ دلیل** را مطرح می‌نماید؛

* تجربه نشان می‌دهد تحقق انسجام اجتماعی (بسیج نیروهای اجتماعی) در گرو سرمایه اقتصادی نیست. بنابراین توانمند سازی و انسجام اجتماعی نیاز به نیروهایی به جز سرمایه اقتصادی دارد.

* این نکته بارها و بارها حتی در مناطق بحرانی مشاهده شده است که تاکید بیش از حد بر تقویت سرمایه اقتصادی، در واقع به محرومیت، ناتوانی و عدم انسجام بیشتر انجامیده است.

* تاکید بر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در فرآیند توانمند سازی ساکنان کوهستان اسکازو به این دلیل است که این نوع سرمایه تقریباً تنها سرمایه‌های این ساکنان است.

Tanzil: 2018

تانزیل (۲۰۱۸) "استراتژی توانمند سازی اجتماع محور با تاکید بر سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی"

آسیب شناسی رویکرد توانمند سازی در ارتباط با مشکلات ماهیگیران جزیره ماکاسار اندونزی
از جمله دلایل عدم توفیق ؛ عدم توجه به سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنین جوامع هدف

Tanzil: 2018

تصویری که در این پژوهش از جامعه هدف ارائه شده است؛

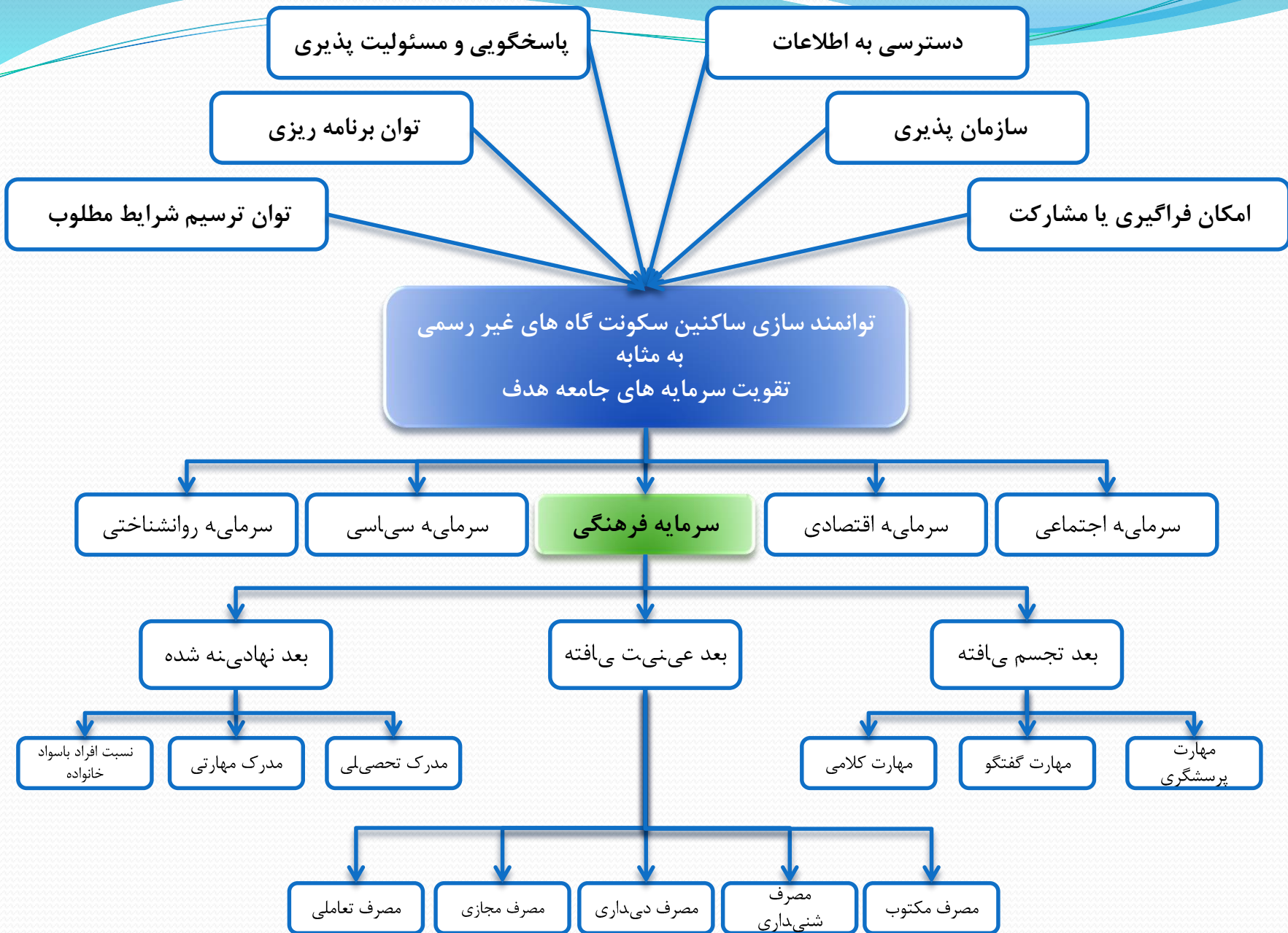
* ضعف در استفاده از تکنولوژی (فقدان دانش لازم) که منجر به کاهش بهره وری ماهیگیران و در نتیجه شکل گیری کسب و کارهای بسیار کوچک شده است.

* ناتوانی در توسعه کسب و کار به دلیل محدودیت در دسترسی به منابع مالی (ناتوانی اقتصادی).

* ضعف در مدیریت کسب و کار که ناشی از توانایی‌های محدود (فقدان دانش لازم) برای مدیریت کسب و کار است.

این مشکلات و مواردی از این دست، منجر به محدودیت در استفاده و بهره وری کامل از منابع غنی دریایی در اختیار ماهیگیران شده است.

مدل مفهومی پژوهش



وضعیت توان برنامه‌ریزی در ارتباط با شاخص میزان سرمایه فرهنگی

گروه دو سرمایه فرهنگی بیشتر از میانگین جامعه	گروه یک سرمایه فرهنگی کمتر از میانگین جامعه	توان برنامه‌ریزی
۲۵٪	۷۵٪	توان برنامه‌ریزی در سطح کم
۵۰٪	۵۰٪	توان برنامه‌ریزی در سطح متوسط
۶۰٪	۴۰٪	توان برنامه‌ریزی در سطح زیاد

وضعیت توان ترسیم شرایط مطلوب در ارتباط با شاخص میزان سرمایه فرهنگی

گروه دو	گروه یک	توان ترسیم شرایط مطلوب
سرمایه فرهنگی بیشتر از میانگین جامعه	سرمایه فرهنگی کمتر از میانگین جامعه	
۸٪	۹۲٪	توان در سطح کم
۵۵٪	۴۵٪	توان در سطح متوسط
۸۶٪	۱۴٪	توان در سطح زیاد

باسباس از حضور و توجهمان

